

## ادبیات انتقادی در عصر قاجار

## اشاره

یکی از منابع قابل استفاده در کسب آگاهی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، ادبیات موجود در آن جامعه است. در تاریخ ایران، نویسندگان همواره تلاش داشته‌اند تا در قالب‌های مختلف ادبی، از جمله شعر، قصه و حکایت، شرایط فکری جامعه خود را بیان نمایند. در شرایطی که جامعه فاقد ثبات سیاسی و اقتصادی باشد، ادبیات، به‌خصوص در شکل انتقادی خود، قادر است بازتابی از معایب و محاسن جامعه باشد. مقاله حاضر بر آن است تا به چگونگی انعکاس مسائل سیاسی و اجتماعی در ادبیات انتقادی عصر قاجار، به‌ویژه دوره مشروطه بپردازد. روش کار، تحلیلی، توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

**کلیدواژه‌ها:** قاجار، ادبیات انتقادی، شعر، مشروطه

## مقدمه

ادبیات انتقادی زاینده شرایطی است که در آن نویسنده به دلیل فشار شدید حاکمیت سیاسی و استبداد، به انتقاد از وضعیت موجود سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. گاه این فشار به اندازه‌ای شدید است که نویسنده به‌گونه‌ای از ادبیات، موسوم به ادبیات رمزی پناه می‌برد و مقصود خود را از زبان دیوانگان، پیرزنان و پیرمردان، کودکان، حیوانات و نمادها و نشانه‌های دیگر بیان می‌کند. گاه نیز در قالب نمایش‌نامه به انتقاد از شرایط جامعه خود می‌پردازد و گاه زبان شعر را برای بیان مقصود خود انتخاب می‌کند که تأثیری ماندگارتر در بین مردم دارد.

در دوره قاجار این‌گونه از ادبیات در دوران خفقان سیاسی، یعنی دوره ناصرالدین‌شاه، شروع به رشد کرد و در دوره مظفرالدین‌شاه، همزمان با جنبش مشروطه و پس از آن، به اوج بالندگی خود رسید. اکنون می‌خواهیم ببینیم که مسائل سیاسی - اجتماعی عصر قاجار در ادبیات انتقادی این دوره بیشتر در چه قالب‌هایی منعکس شده است و علت انتخاب این قالب‌ها چه بوده است؟

(میرزای قمی [حائری، ۱۳۶۷: ۴۴۲] محمد ندیم بارفروشی [همان: ۴۴۵] آصف [همان، ۴۴۸] و سلطان الواعظین [همان: ۴۵۲] را باید از پیشگامان ادبیات انتقادی در دوره قاجار دانست).

البته باید اشاره داشت که در آن عصر انتقاد از وضعیت نابسامان جامعه، مردم عادی و یا شاعران و نویسندگان مردمی نبود بلکه گاه در بین شاهزادگان قاجاری نیز در انتقاد از اوضاع بد سیاسی و اجتماعی مطالبی می‌یابیم. از جمله این شاهزادگان شیخ‌الرئیس قاجار (مرگ ۱۳۳۹ق/۱۲۹۹ش) فرزند محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، فرزند فتحعلی شاه قاجار، است. (ابوالحسنی و قره‌داغی، ۱۳۸۶: ۳) وی در آثار خود که برخی از آن‌ها به‌صورت شعر باقی مانده، به انتقاد از زیاده‌روی‌ها و ظلم حکام وقت پرداخته و با استفاده از واژه‌هایی مانند: آزادی، اتحاد و اتفاق در پی بیداری و آگاهی فکری مردم بود (همان: ۴) و بدون توجه به پایگاه طبقاتی خود از سیاست‌های قاجار در رابطه با استعمارگران انتقاد می‌کرد و با قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ مخالف بود.

(همان: ۱۱)

سال‌های آخر عهد ناصری، به دلیل نابسامانی‌های موجود، شاهد به‌وجود آمدن و رشد بیشتر ادبیات انتقادی بود. ادبیاتی که سعی داشت با انتقاد از وضع موجود به‌سازندگی بپردازد. این ادبیات که سرآغاز ادبیات انتقادی مشروطه است، اصطلاحاً به «ادبیات مشروطه» معروف شده است. لطف‌الله آجودانی اصطلاح ادبیات مشروطه را چنین تعریف کرده است:

«ادبیاتی که در جریان نهضت مشروطه و بعد از استقرار مشروطیت، در ایران به‌وجود آمده است، در تمام شعب خود از روزنامه‌نگاری گرفته تا شعر، نثر، قصه‌نویسی، تاریخ‌نویسی و حتی علوم مختلف، از هماهنگی‌ها و ویژگی‌های خاص برخوردار است که در مجموع می‌توان از آن‌ها به عنوان مشخصات عام ادب مشروطه یاد کرد» (آجودانی ۱۳۸۲: ۵۳)

برخی از پژوهشگران بر این باورند که ادبیات سیاسی جدید و متداول در عهد مشروطه، خارج از ایران به داخل کشور منتقل شد. (همان: ۷۰) علت این امر خفقان سیاسی موجود و مهاجرت پاره‌ای از اندیشمندان به خارج بوده است. (همان) لذا اواخر دوره ناصرالدین شاه را «روزگار مهاجرت‌های سیاسی و اجتماعی» می‌دانند. (همان: ۶۹)

## ادبیات انتقادی از مشروطه به بعد

## در حوزه شعر

تحول سیاسی - اجتماعی بزرگی که با نام انقلاب مشروطیت در ایران به وقوع پیوست، نه

## برخی از پژوهشگران مهم‌ترین مایه‌های شعر مشروطه را «بازتاب تحولات جامعه

### در بینش سیاسی و اجتماعی مردم» دانسته‌اند

اشعار خود در خصوص وطن چنین می‌گوید:  
لانه دارد عنكبوت و آدمی دارد وطن  
عنكبوت آسا تو هم دور وطن تاری بتن  
بهر حفظ لانه خود می‌تند تار عنكبوت  
ز عنكبوتی کم نه‌ای، ای غافل از حفظ وطن  
عقل کل مهر وطن را معنی ایمان شمرد  
معنی ایمان بود مهر وطن بی‌ریب و ظن  
شیخ اگر معنی نمی‌داند تو معذورش بدار  
این وطن نامش بود ایران، بیا بشنو ز من  
(کسروی، ۱۳۵۱: ۴۷)

شاعران عصر مشروطه را از نظر احساسات و عواطف، به سه گروه تقسیم کرده‌اند. گروه اول شاعرانی که لحن تند و تیزی دارند و اشعارشان افراطی و احساسی محسوب می‌شد. در این ردیف **میرزاده عشقی، عارف قزوینی و فرخی یزدی** را جای داده‌اند. گروه دوم شاعران محافظه‌کار و سنتی‌اند. **ادیب نیشابوری و ادیب پیشاوری** در این گروه قرار می‌گیرند. گروه سوم شاعران معتدل هستند. (صادقی، ۱۳۷۸: ۸۰)

شاعران منتقد عهد قاجار عموماً دارای چند خصوصیت‌اند که آنان را از شاعران قبل، متمایز می‌سازد:

۱. زبانی که این شاعران به کار گرفته‌اند، زبان

تنها حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را متحول ساخت، بلکه در حوزه ادبیات نیز موجب تحولات بسیار شد. در این میان، از آنجایی که شعر یک اثر ماندگار در بین مردم ایران دارد، بسیاری از آثار انتقادی این عصر در قالب شعر منتشر می‌شد. از طرفی انتشار روزنامه نمی‌توانست به تنهایی نیاز مبلغین آزادی را فراهم کند، لذا بخشی از وظایف مطبوعات را ادبیات و به خصوص شعرا برعهده گرفتند. (طغیانی، ۱۳۷۸: ۱۶۳ و آرین‌پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۸ و ۲۹)

انتقاد از وضعیت نابسامان سیاسی به شکل شعر را می‌توان در نوشته‌های **عین السلطنه** در دومین سال سلطنت مظفرالدین شاه، که بر ضد شاه نوشته شده، دید. (خارابی، ۱۳۸۶: ۳۷)

برخی از نویسندگان تفاوت اشعار انتقادی عهد ناصرالدین شاه با عهد مظفرالدین شاه را در لحن انتقادی اشعار مذکور دانسته و عقیده دارند شعر انتقادی در عهد ناصری به شکل ترانه‌های عامیانه با لحنی ملایم بود. اما در دوره مظفرالدین شاه این گونه اشعار لحن شدیدتری به خود گرفته و به شکل هجو درآمد است. (همان: ۳۶ و ۳۷) **حاجی محمد اسمعیل منیر مازندرانی** در یکی از

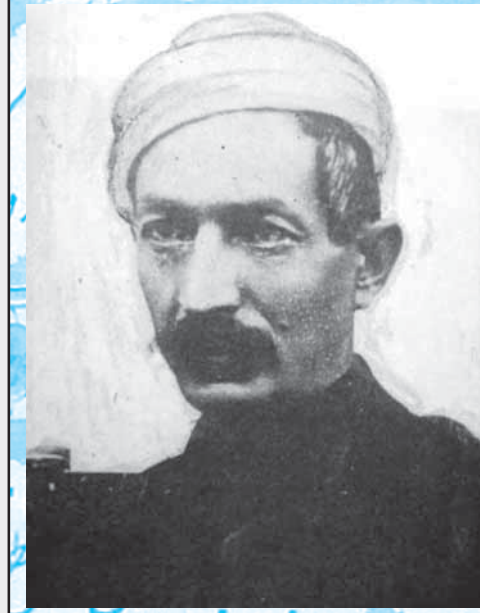


ناصرالدین شاه



محمد دانش، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، ایرج میرزا





**در آغاز دوره مشروطه**  
**اشرف‌الدین حسینی**  
**معروف به نسیم شمال، برای**  
**بیان انتقادهای سیاسی و**  
**اجتماعی از شعر استفاده**  
**کرد. وی در اشعار خود به**  
**گرانی، تجاوز بیگانگان،**  
**ویرانی شهرها، ضعف دولت و**  
**غفلت ملت اشاره می‌کند**

متفاوتی است. آنان تلاش کرده‌اند خود را به فرهنگ عامه مردم نزدیک کنند. شعر آنان کلیه قالب‌های مرسوم ادبی گذشته را شکسته که این امر ناشی از شریطی است که آنان در آن قرار گرفته بودند.

۲. موضوع شعر شاعران عصر مشروطه نسبت به گذشته به کلی متفاوت است. در مضامین شعری آنان دیگر جایی برای زلف یار، قد دلبر، دریای نیلگون، می و ... پیدا نمی‌شود. در این دوره مضامینی چون: آزادی، ستیز با استبداد و ملی‌گرایی دیده می‌شود! (همان: ۸۱ و ۸۲) برخی از پژوهشگران مهم‌ترین مایه‌های شعر مشروطه را «بازتاب تحولات جامعه در بینش سیاسی و اجتماعی مردم» دانسته‌اند. (همان: ۸۰)

یکی از نخستین شاعرانی که در انتقاد از محمد علی‌شاه اشعاری را سرود **ادیب‌الممالک فراهانی** بود. (طغیانی، ۱۳۷۸: ۱۶۳ و ۱۶۴) در آغاز دوره مشروطه اشرف‌الدین حسینی معروف به **نسیم شمال**، برای بیان انتقادهای سیاسی و اجتماعی از شعر استفاده کرد. وی در اشعار خود به گرانی، تجاوز بیگانگان، ویرانی شهرها، ضعف دولت و غفلت ملت اشاره می‌کند. (همان: ۱۶۷) در اولین سال‌های مشروطه، شاعران نیازهای توده مردم را بهانه سرودن شعر قرار دادند و نوعی ادبیات موسوم به «ادبیات پرخاشگر» متداول شد. (همان: ۱۷۰) آنچه مسلم است «شعر مشروطه جنبه ابزاری دارد، شعری است در خدمت مردم و جامعه و ... که موضوع آن ترویج اندیشه‌های آزادی‌خواهی، وطن‌دوستی و مبارزه با عقب‌ماندگی فرهنگی است». (صادقی، ۱۳۷۸: ۸۱)

باید توجه داشت. کاریکاتورها غالباً به شکل سیاه و سفید تهیه می‌شدند و تعداد معدودی از آن‌ها رنگی بودند. نکته دیگر اینکه در بسیاری از آن‌ها معلوم نشده چه کسی یا کسانی، این کاریکاتورها را ترسیم کرده‌اند. شاید بتوان دلیل این امر را، ترس از دستگاه سیاسی قاجار دانست که صاحبان این آثار ترجیح می‌دادند تا شناخته نشوند. کاریکاتورهایی که در روزنامه‌های خارج از ایران چاپ می‌شد به زبان فارسی بود و اغلب نام کاریکاتوریست‌ها نیز در آن‌ها مشخص است. **عشقی** در آخرین شماره روزنامه قرن بیستم از کاریکاتور بهره گرفت و چه بسا همین کار او، در کنار مقالات تند و تیز، در قتل او بی‌تأثیر نبوده است. (حائری، ۱۳۷۵: ۵۵۶) به جهت سهولت بررسی، پژوهش حاضر نشریات و مطبوعات دوران قاجار را به دو قسمت قبل از مشروطه و بعد از مشروطه تقسیم نموده و هر یک را به شکلی جداگانه مورد بررسی قرار داده است.

**نشریات قبل از جنبش مشروطه**

نشریه‌های قبل از پیروزی مشروطه که به شکلی فکاهی و انتقادی منتشر می‌شدند، عبارت بودند از: شاهسون (۱۲۷۶ ه.ق) - حلاج (۱۲۷۱ ه.ش) - احتیاج (۱۲۷۸-۱۲۷۷ ه.ش) - شب‌نامه صراف (۱۳۱۰ ه.ش) - طلوع مصور (۱۲۸۰-۱۲۷۹ ه.ش) - التوّد (۷۱-۱۲۴۹ ه.ش) و چهره‌نما (۱۲۸۴-۱۲۸۳ ه.ش).

از بررسی محتوای نشریات فوق، این نتایج به‌دست می‌آید: اغلب این روزنامه‌ها، غیر از نشریه «شب‌نامه» که به شکلی مخفی، انتقادات سیاسی و اجتماعی علیه قاجار می‌نوشت، از طنز و کاریکاتور برای بیان مقصود خود استفاده می‌کردند. دیگر اینکه برخی از این روزنامه‌ها لحنی محافظه‌کارانه داشتند و برخی دیگر برعکس، به درج مطالب تند و انتقادهای شدید می‌پرداختند. اغلب این نشریات هفته‌نامه بودند.

در میان نشریات نام برده، اولین نشریه‌ای که به شکلی انتقادی و فکاهی مبادرت به درج مقاله نمود **طلوع مصور** بود. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۱۶) این نشریه سیاسی و انتقادی، توسط عبدالحمید خان تقفی متین‌السلطنه در بوشهر به سال ۱۳۱۸ ه.ق منتشر شد. متین‌السلطنه در سال ۱۳۳۴ ه.ق توسط کمیته مجازات در دفتر کارش به قتل رسید. (همان: ۲۱۶ و ۲۱۷)

در میان نشریه‌های این دوره، **حبل‌المتین** از

**ادبیات انتقادی در حوزه نشریات (روزنامه‌ها و کاریکاتور)**

کاریکاتور مقوله‌ای است که نمی‌تواند جدا از روزنامه‌های این عصر مورد بررسی قرار گیرد، چرا که از آغاز، تنها محل درج کاریکاتورهای انتقادی، روزنامه‌ها بودند. در عصر مشروطه، استفاده از کاریکاتورهای سیاسی، که در فضایی طنزآمیز به انتقاد از امور می‌پرداختند، با خود پیامی داشت که حتی مخاطبان بی‌سواد را جذب می‌کرد. در روزنامه‌های عصر مشروطه، تعداد قابل توجهی از روزنامه‌ها، انتقادات سیاسی و اجتماعی خود را، اغلب با ترسیم کاریکاتور بیان می‌کردند. در این میان به چند ویژگی کاریکاتورهای آن دوره



صاحب امتیازی ادیب‌الممالک فراهانی و مدیریت مجدالاسلام کرمانی ابتدا در تبریز و سپس در تهران به چاپ رسید و حاوی کاریکاتورهای سیاسی نیز بود. (همان: ۲۱۶ و ۲۱۷) این روزنامه را اولین روزنامه کاریکاتور در ایران می‌دانند. (کهن، ۱۳۶۰، ج: ۱، ۱۸۸، ۱۸۶) تربیت هم اولین روزنامه غیردولتی داخلی بود که اولین شماره آن در سال نخست پادشاهی مظفرالدین‌شاه و آخرین شماره آن در ابتدای پادشاهی محمدعلی‌شاه به چاپ رسید، در این روزنامه مطالبی در خصوص علل پیشرفت اروپاییان چاپ می‌شد. (رضوانی، ۲۵۳۶: ۲۷)

### نشریات بعد از جنبش مشروطه

تعداد نشریات بعد از مشروطه، با توجه به زمان پیدایش آن‌ها و شرایط سیاسی موجود بیشتر است. در این نشریات از کاریکاتور به شکلی وسیع در بیان انتقادات سیاسی، بهره گرفته می‌شد و اکثر آنان موضوعاتی چون: مبارزه با استبداد، مخالفت با استعمارگران و نیز وطن‌پرستی را مطرح می‌کردند.

ادبیات دوره مشروطه که، بیشتر خود را در قالب شعر و روزنامه‌ها نشان می‌داد، به دلیل پرداختن به موضوعات فوق از ارزش بالایی برخوردار بود. (دهقان‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹) در عهد مظفرالدین‌شاه طنز به صورت‌های، نوشتار، تصویر و کاریکاتور به ایران راه یافت. (خارابی، ۱۳۸۶: ۳۷)

دوره مورد نظر دارای چند ویژگی است که آن را با دوره‌های قبل از خود متفاوت می‌کند اول اینکه مجلس شورا ایجاد شد و دیگر اینکه موضوعاتی که باعث انتقاد روزنامه‌ها می‌شد به ظاهر وجود نداشت، اما همچنان ایران دچار همان نابسامانی‌های پیش بود. سانسور از مطبوعات حذف شده بود (همان: ۳۸) حکومت استبدادی البته از بین نرفته بود و از همه مهم‌تر حرکت مشروطه نیز نتوانست خواسته‌های مردم را برآورده کند. محمدعلی‌شاه که بعد از مظفرالدین‌شاه به قدرت رسیده بود نمی‌خواست تن به مشروطه دهد. وی بی‌اعتنایی نسبت به مشروطه و مشروطه‌خواهان را به صورت‌های مختلف و سرانجام در به توب بستن مجلس نشان داد. افکار آزادیخواهانه مشروطه‌خواهان در دوره مشروطه، نوشته‌های انتقادی مطبوعات را بیشتر کرد و این آثار ابتدا به زبان طنز، به روزنامه‌هایی مثل «ملا نصرالدین» به مدیریت جلیل محمد-قلی‌زاده به زبان ترکی وارد شد. (طغیانی، ۱۳۷۸: ۱۷۰). در

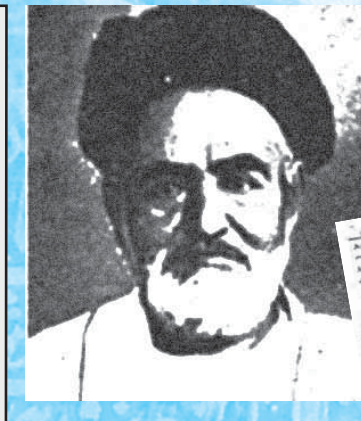
دوره ناصری به صحنه آمد و انتشار آن تا روزگار پهلوی هم ادامه داشت. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۸۸) این نشریه هفتگی مشهورترین نشریه عصر خود به حساب می‌آمد و در مقدمه خود انتقاد شدیدی از استعمارگر روس داشته است. البته باید خاطر نشان کرد، این نشریه منافع مادی خود را نسبت به اوضاع آشفته سیاسی ایران ترجیح می‌داد، هر چند حاوی انتقادات تندی نیز بود. سردبیر یا مدیر حبل‌المتین، سیدجلال‌الدین کاشانی (مؤید الاسلام) بود. عده‌ای از پژوهشگران شهرت روزنامه را به «دلیل سخن مذهبی، استحکام، هدف و تلاش برای وحدت ایرانیان» می‌دانند. (آوری، ۱۳۶۹، ج: ۱، ۲۲۵) برخی حتی نقش این روزنامه را با نقش روزنامه «کولوکول» هرتسن، روشنفکر آزادی‌خواه در روسیه یکی دانسته‌اند. (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۵۲) بدون شک حبل‌المتین، به دلیل انتشار در خارج از کشور از آزادی بیان بیشتری برخوردار بود که می‌توانست انتقادهای سیاسی و اجتماعی به ایران را آزادانه بیان کند. (رضوانی، ۲۵۳۶: ۲۷) این روزنامه همزمان با روزنامه‌های خارجی هم عصر خود، از فساد جامعه ایران و از اصلاح آن سخن می‌گفت و به دنبال راهکاری می‌گشت تا استبداد داخلی را از میان بردارد. (آوری، ج: ۱، ۲۲۲)

ضرورت وجود قانون برای جامعه بی‌قانون ایران، در آن روزگار میرزا ملکم‌خان ارمنی را واداشت تا نام روزنامه خود را **قانون** بگذارد (آوری، ۱۳۶۹، ج: ۱، ۲۲۳) این روزنامه مخفیانه وارد ایران می‌شد و در بین انجمن‌ها توزیع می‌گردید. (همان: ۲۲۵) انتقادهای ملکم نسبت به حکومت وقت به خصوص زمانی پررنگ شد که وی ایران را ترک کرد. (خارابی، ۱۳۸۶: ۳۶)

روزنامه **اختر**، روزنامه دیگری بود که همزمان با روزنامه‌های ذکر شده، از مفاسد دولت و جامعه ایران انتقاد می‌کرد. نویسنده این روزنامه محسن‌خان معین‌الملک بود که در سال ۱۲۹۲ در اسلامبول اقدام به چاپ این روزنامه نمود. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۸۲) مطالب این روزنامه تحت‌نظر حاجی نجفقلی‌خان بود که خود با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران آشنایی کامل داشت. (همان: ۸۳) در این روزنامه به‌خصوص از سیاست دولت ایران مبنی بر دادن امتیاز توتون و تنباکو به انگلیس‌ها انتقاد می‌شد.

از دیگر روزنامه‌ها، می‌توان از دو روزنامه **ادب** و **تربیت** نام برد. ادب در سال ۱۳۲۳ هجری به





روزنامه روح القدس روزنامه انتقادی شدیدی بود. مدیر آن شیخ احمد روح القدس، معروف به سلطان العلمای خراسانی، بود که بعد از ماجرای باغشاه به دلیل انتقادات شدید خود علیه محمدعلی شاه به شکل وحشیانه‌ای به قتل رسید، تا جایی که جسد او مورد شناسایی قرار نگرفت. (همان، ۱۳۶ و ۱۳۷ و کسروی، ۱۳۵۱: ۱۷) روش روزنامه، مبارزه علیه استبداد و به خصوص شخص محمدعلی شاه بود. (صدر هاشمی، ۱۳۸: ۲۲۳)

روزنامه مساوات که در سال ۱۳۲۵ منتشر می‌شد نیز روزنامه‌ای انتقادی و تند بود. این روزنامه در تبریز انتشار می‌یافت و پشتیبان حرکت مجاهدان در مبارزه با حکومت استبدادی بود. (همان: ۱۳۷ و ۱۳۸) بهار از جمله نویسندگان و شعرای بعد از مشروطیت است که اشعار انتقادی او انعکاسی از جریانات اجتماعی و اوضاع ایران بعد از جنگ جهانی اول بود. (ترابی، ۱۳۸۰، ۲۱۹ و ۲۲۰) وی که صاحب روزنامه‌ای به نام نوبهار بود مبارزات فکری و قلمی خود را جلوه‌ای تازه داد و به آن شدتی خاص بخشید. (همان: ۲۲۲ و ۲۲۳) او در کلیه تألیفات خود متوجه مسائل مهم جامعه همچون، آزادی، وطن، عدالت، ترقی و هوشیاری مردم در قبال تهدید استعمارگران بود (همان: ۲۲۵ و ۲۲۶) اشعار ملک‌الشعراء به خصوص بعد از شکست محمدعلی شاه رنگ سیاسی و انتقادی بیشتری یافت. (همان: ۲۲۳). و از سروده‌های اوست:

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست  
کار ایران با خداست  
مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب‌ها جداست  
کار ایران با خداست  
شاه مست و شیخ مست و شحنة مست و میر  
مست  
مملکت رفته زدست  
مردم از دستان مستان، فتنه و غوغا به پاست  
کار ایران با خداست

### ادبیات انتقادی در حوزه نمایش‌نامه‌نویسی

در مقایسه با اشعار انتقادی و روزنامه‌ها، در حوزه نمایش‌نامه‌نویسی با تعداد محدودتری از آثار روبه‌رو هستیم. البته با توجه به جو سیاسی، مضامین و موضوعات نمایش‌نامه‌نویسی، همانند شعر، در بیان فقر اجتماعی، دخالت بیگانگان از کشور، ستایش

زمینه ترانه‌سازی و تصنیف، عارف قزوینی سرآمد بود (همان: ۱۷۱)

در ۱۳۲۵ ق تقریباً یک سال بعد از انتشار فرمان مشروطه، معتضدالاطبا در تهران، مبادرت به چاپ روزنامه‌ای به نام تنبیه نمود که روزنامه‌ای انتقادی و همراه با کاریکاتور بود. (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۱۸) این روزنامه بعد از روزنامه‌های طلوع و ادب و کشکول و آذربایجان، قدیمی‌ترین روزنامه کاریکاتوری و انتقادی محسوب می‌شد. (همان: ۲۱۸) این روزنامه که به تنبیه درخشان هم معروف بود از بند و بست رجال ایرانی و دربار ایران با خارجی‌ها انتقاد می‌کرد. (همان: ۲۰۳)

روزنامه آذربایجان نخستین روزنامه طنز و فکاهی و کاریکاتور در دوره اول مشروطه در ۱۳۲۵ محسوب می‌شود که می‌توان آن را روزنامه آبرومندی شمرد. (کسروی، ۱۳۵۱: ۲۶۹) روزنامه حشرات الارض بعد از بسته شدن روزنامه آذربایجان و بعد از شدت درگیری بین محمدعلی شاه و مشروطه‌خواهان، توسط مدیر روزنامه آذربایجان معروف به ناله ملت منتشر شد. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۲۲)

روزنامه کشکول را، که یک‌ماه بعد از انتشار آذربایجان منتشر شد، مجدداً اسلام کرمانی منتشر کرد. این روزنامه نیز حاوی مطالب انتقادی و فکاهی و کاریکاتور بود. (همان: ۲۱۷ و ۲۱۸) در یکی از کاریکاتورهای سیاسی این نشریه، شخص مستبیدی را نشان می‌داد که بی‌دلیل فردی را زیر پا لگد می‌کند و زیر آن کاریکاتور نوشته بود: «سابقا مستبیدین گاز می‌گرفتند، حالا لگد می‌زنند». (همان: ۱۴۱ و ۱۴۲)

بعد از کودتای محمدعلی شاه بسیاری از روزنامه‌ها، در تهران، توقیف شد. این امر انتقادات روزنامه را به خصوص در شهرهایی مثل تبریز و اصفهان بیشتر کرد. (همان: ۱۳۱)

در ۱۳۲۵ ق تقریباً یک

سال بعد از انتشار فرمان

مشروطه، معتضدالاطبا در

تهران، مبادرت به چاپ

روزنامه‌ای به نام تنبیه نمود

که روزنامه‌ای انتقادی و

همراه با کاریکاتور بود این

روزنامه که به تنبیه درخشان

هم معروف بود از بند و بست

رجال ایرانی و دربار ایران با

خارجی‌ها انتقاد می‌کرد

(همان، ج ۱: ۳۵۲) زندگی روستاییان و دهقانان و زندگی سخت اجتماعی آذربایجان در دوره قاجار، در نمایش‌نامه‌های دیگر از آخوندزاده به نام «حکایت خرس قولدور باسان (دزدافکن)» ترسیم شده است. (همان: ۳۵۲)

از نمایش‌نامه‌نویسان دیگری که در دوره ناصری پا به عرصه انتقاد سیاسی گذاشتند و استبداد و بی‌قانونی آن عصر را در نمایش به مضحکه گرفتند باید از میرزا آقای تبریزی نام برد. (همان: ۳۶۰)

میرزاده عشقی نیز علاوه بر اشعار انتقادی و مقالات تند سیاسی، نمایش‌نامه‌هایی تحت نام، جمشید ناکام، حلواء الفقراء، رستاخیز شهیران ایران، دارد. (حائری، ۱۳۷۵: ۳۲۹) در این آثار نویسنده به تصویر وضع زندگی اشراف‌زادگان ایرانی در خارج از کشور و مبارزه با خرافات یا مجسم کردن استبدادهای ایرانی پرداخته است.

(آرین پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۶۶)

ادبیات انتقادی در حوزه سیاحت‌نامه‌ها و داستان‌نویسی نیز انعکاسی داشت که برای پرهیز از طولانی شدن این نوشتار از ذکر آن می‌گذرم.

#### منابع

۱. آجودانی، لطف‌الله؛ یامرگ یا تجدد، نشر اختران، ۱۳۸۲.
۲. آرین پور، یحیی؛ از صبا تا نیما، انتشارات زوار، ۱۳۷۲.
۳. آژند، یعقوب؛ قوالب مختلف ادبیات نمایشی دوره مشروطیت، نامه فرهنگ، سال اول، شماره ۲، ۱۳۶۲.
۴. آوری، پیترو؛ تاریخ معاصر ایران، جلد اول، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، ۱۳۶۹.
۵. ابوالحسنی، جواد؛ معصومه قرهداغی؛ سیری در زندگی، آثار و مبارزات مشروطه‌خواهی شیخ‌الرئیس، پژوهش‌نامه تاریخ، سال ۲، شماره ۸، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ۱۳۸۶.
۶. ترابی، علی‌اکبر؛ جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، انتشارات فروغ آزادی، ۱۳۸۰.
۷. حائری، سید هادی (کوروش)؛ کلیات مصور میرزاده عشقی، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۵.
۸. خرابی، فاروق؛ طنز در مطبوعات آغازین مشروطیت نامه فرهنگستان، دوره نهم، شماره اول، ۱۳۸۶.
۹. دهقان نژاد، مرتضی؛ سلطان‌العلمای خراسانی و انقلاب مشروطیت ایران، فصل‌نامه مطالعات تاریخی، شماره‌های نهم و دهم، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.
۱۰. رضوانی، اسماعیل؛ انقلاب مشروطیت ایران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۲۵۳۶.
۱۱. صادقی، محمد؛ فرزانی و شیدایی، جستاری درباره ادبیات روشنگری در دوره مشروطه، فصل‌نامه سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی، شماره یکم، ۱۳۷۸.
۱۲. صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۸۵.
۱۳. طباطبایی، محیط؛ تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۶.
۱۴. طغیانی، اسحاق؛ تأثیر انقلاب مشروطه در ادبیات فارسی، مجموعه مقالات، جلد اول، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.
۱۵. کسروی، احمد؛ تاریخ مشروطه ایران، (بخش یکم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۱.
۱۶. کهن، گوئل؛ تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، جلد اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۰.

از آزادی و وطن‌پرستی و استبداد شاهان قاجار بوده است. عده‌ای از نویسندگان نمایش‌نامه‌ها و کمدی‌های انتقادی و اجتماعی را به تقلید از تئاتر قدیم فرانسه دانسته‌اند. (آرین پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۹۳) از لحاظ قالب ادبیات، نمایش‌نامه دوره مشروطه به دو بخش تقسیم می‌شوند ۱. نمایش‌نامه‌های منثور ۲. نمایش‌نامه‌های منظوم. (آژند، ۱۳۶۲: ۷۳)

از نمایش‌نامه‌های منثور سیاسی و اجتماعی می‌توان از نمایش‌نامه «سرگذشت یک روزنامه‌نگار» اثر مرتضی قلی‌خان فکری (مؤید الملک) یاد کرد که در آن به دسیسه‌چینی روزنامه‌نگاران پرداخته و دست به نقادی سیاسی زده است. (همان) از آثار دیگر این فرد می‌توان «عشق در پیری» را نام برد که به انتقاد از وضعیت زنان جامعه قاجار پرداخته است. (همان) اوضاع نابهنجار مالی و اقتصادی ایران عصر قاجار در یکی دیگر از نمایش‌نامه‌های او موسوم به «سه روز در مالیه» است. (همان) احمد محمودی در نمایش‌نامه خود به نام «مقصر کیست» وضع رقت‌آمیز زنان و اربابان ستمگر را به انتقاد گرفته است. باید اضافه نمود که بیشتر کارهای محمودی با موضوعیت زن نوشته شده است. (همان) «حکام قدیم، حکام جدید» نمایش‌نامه سیاسی انتقادی است که متعلق به مؤیدالملک فکری است و در آن فروش ایالات توسط قاجار را به انتقاد شدید کشیده است. محور اصلی این نمایش حکومت استبدادی است. (همان: ۷۶) نمایش‌نامه انتقادی سیاسی دیگر که استبداد محور است، اثر علی‌خان ظهیرالدوله به نام‌های «کابوس استبداد» یا «گناهکاران» نام دارد و داستان آن دست‌درازی حکام مستبد بر جان و مال مردم است. (همان: ۷۷)

از دیگر نمایش‌نامه‌های انتقادی و سیاسی این زمان می‌توان از نمایش‌نامه «سرگذشت وزیر خان سراب» از آخوندزاده یاد کرد. (آرین پور، ۱۳۷۲: ۳۵۳) آخوندزاده در این نمایش‌نامه از فساد دستگاه قضایی و نارسایی‌های وکلا در امر عدالت صحبت کرده است. داستان او در تبریز اتفاق می‌افتد تا توجه مأمورین سانسور روس را به خود جلب نکند. (همان، ج ۲: ۳۵۳) آخوندزاده در نمایشی دیگری به نام «حکایت مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی‌شاه جادوگر معروف» دنیای شرق و غرب را با یکدیگر مقایسه نموده است.

میرزاده عشقی

